

تفسیر روان و ساده قرآن کریم  
قسمت شانزدهم، سوره توحید

# ذکر کتاب

درس گفتارهای  
استاد سید هادی عظیمی

بهار ۱۴۰۳



موسسه‌ی فرهنگی

شماره‌ی ثبت: ۱۳۶۰

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا وَ نَبِيِّنَا  
أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ  
الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُقَرَّبِينَ، سَيِّمًا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي  
الْأَرْضِينَ وَ اللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ.

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

### مقدمه

در محضر شما عزیزان، تفسیر سادہ و روان قرآن را شروع کردیم. سورہ حمد تمام شد. بہ سورہ حمد برگشتیم تا نکات جامانده یا نکاتی کہ بعد از تدبر بہ آن‌ها رسیدیم، را خدمتتان عرض کنیم.

فراموش نکنید، شما ہم باید سہیم باشید. نکاتی کہ بہ ذہنتان می‌رسد، سوآلاتی کہ دارید، را برای ما بفرستید تا ان شاء اللہ استفادہ کنیم.

### إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

ما از اینجا شروع کردیم، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ». الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». بہ ربوبیت خدا، اقرار کردیم. حالا با توجہ بہ این ربوبیت، باید اعلام عبودیت کنیم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، اعلام عبودیت، فقط برای توست.

## نکات عبودیت

نکاتی که در عبودیت بود را عرض کردیم. باید عاشقانه عبودیت کنیم. باید عبودیت دیگران را نفی کنیم. همراه با «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، باید توجه داشته باشیم که عبودیت ابرقدرتها و نفس‌مان و هر کس غیر خدا را، نفی می‌کنیم.

این نکته را هم اضافه کنید که ما از حالت غیبت، «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» را در چه فضایی گفتیم. داریم خارج از فضای حضور می‌گوییم که حمد و سپاس برای خدایی است که مهربان و «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است.

## فضای حضور

اما به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» که می‌رسیم، وارد فضای حضور می‌شویم. یعنی خودمان را در محضر خدا می‌بینیم و عبودیت‌مان را باید در محضر او اعلام کنیم.

اینجا این نکته را هم توجه کنید که به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» که می‌رسیم، اگر یک غفلتی تا الآن داشتیم، «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» بزنگاهی است که یک دفعه ما را متوجه کند که تو در محضر او هستی. در محضرش باید اعلام عبودیت کنیم و خودمان را در محضر او ببینیم.

## جمع جهانی

اگر خودمان را در محضر او دیدیم، حواسمان بیشتر جمع می‌شود. بحث عبودیت و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، نکات

فراوانی دارد. یکی دیگر از این نکات این است که ما می‌گوییم «نَعْبُدُ» یعنی خودمان را در جمع باید ببینیم. اینها را توضیح دادیم.

در این جمع، چه کسانی هستند؟ در ابتدای سوره گفتیم «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، خدا را به عنوان پروردگار همه موجودات عالم دیدیم. اینجا باید اعلام عبودیتمان، همراه با همه این موجودات باشد. یعنی خودمان را در جمع همه عالمین ببینیم، نه فقط در جمع خانواده. می‌توانیم به اینها هم توجه داشته باشیم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» یعنی اعلام می‌کنیم که خدایا، جمع خانواده‌مان، باید در مقابل تو اظهار عبودیت کنند و از تو اطاعت کنیم.

### همنوایی با هستی

ما باید همه هستی را ببینیم. همه موجودات عالم را ببینیم و هم‌نوا با همه موجودات هستی، اعلام عبودیت کنیم. یک معنا این است که می‌گوییم خدایا، ما به صورت ارادی تو را اطاعت و عبادت می‌کنیم. این خوب است. اما ما می‌توانیم به این آیه از زاویه دیگری هم نگاه کنیم. خبر می‌دهیم که خدایا، همان‌طور که همه اجزاء هستی برای تو اعلام عبودیت می‌کنند، همه اجزاء هستی دارند به سوی تو حرکت می‌کنند. «إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ»؛ (اسرا: ۴۴) همه هستی تسبیح‌گوی خداست. من باید همراه با همه هستی باشم. «إِنَّ كُلَّ

مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِي الرَّحْمَنِ عَبْدًا؛  
(مریم: ۹۳) خدای متعال می‌فرماید: «همه آنچه در  
آسمان‌ها و زمین هست، در مقابل خدای مهربان اعلام  
عبودیت می‌کنند».

همه هستی، خدا را می‌شناسد و به سوی او حرکت  
می‌کند. بخشی از حرکت جوهری که ملاصدرا گفته‌اند،  
مربوط به همین است. اگر خودمان را در جمع این  
هستی ببینیم، باید بگوییم خدایا، همین‌طور که همه  
هستی برای تو اعلام عبودیت می‌کند، من هم باید  
اعلام عبودیت کنم. من نباید وصله ناجور باشم.

### همرنگ جماعت

ضرب‌المثل «خواهی نشوی رسوا، هم‌رنگ جماعت شو»؛  
اینجا کاربرد دارد. هم‌رنگ جماعت شو. جماعت هستی  
دارد اعلام عبودیت می‌کند. من هم باید اعلام عبودیت  
کنم تا وصله ناجور نباشم. پس این نکته را باید اضافه  
کنید و در نمازتان کاربردی‌اش کنید.

### ایجاد تفکر در نماز

وقتی در نماز امام زمان صد بار می‌خواهید بگویید «إِيَّاكَ  
نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»، می‌توانید یک لیستی تهیه کنید و  
با هر بار گفتن «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» توجه به یک مطلبی بکنید.  
اگر شما این لیست را بنویسید، قطعاً ثوابش، یعنی اثر  
این کارتان از اینکه در مسجد جمکران یا در جای دیگری

نماز امام زمان بخوانید و فقط تکرار کنید «إِيَّاكَ نَعْبُدُ  
وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» بهتر است.

چون این تفکر، «فِكْرَةٌ سَاعَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ سَنَةٍ»  
(بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۲۷)؛ از هفتاد سال نماز خواندن و تدبر  
نکردن بهتر است. یک کاغذ بردارید. آنچه که از «إِيَّاكَ  
نَعْبُدُ» به ذهنتان می‌رسد را بنویسید. مثلاً بگویید:  
خدایا، من باید در جمع، به حضور تو برسم. نباید خودم  
را تافته جدا بافته ببینم. نباید تک‌روی کنم. پس باید در  
جمع باشم.

### لزوم حضور در جمع

اینکه باید در جمع باشم، یعنی چه؟ یعنی همیشه با  
جماعتِ مسلمان‌ها همراه باشم. در نماز جماعت‌ها  
شرکت کنم. معنای «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» این است که اگر  
می‌خواهم عبودیت کنم، در جماعت شرکت کنم. در  
راهپیمایی شرکت کنم. در رأی‌گیری شرکت کنم.

کسی که در نمازش می‌گوید «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» ولی در  
راهپیمایی و نماز جماعت نمی‌آید، اعلام عبودیت در  
جمع نکرده، تک‌روی می‌کند. این تضاد و تناقض است.

معنای «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» این است که من باید در جمع، به  
حضور تو برسم. من باید در میان جمع، بندگی کنم. این  
یک مطلب مهمی است. من نمی‌توانم از جمع، فاصله

بگیرم؛ بگویم من کُنْجِ عَزَلْتِ اختیار کنم. برای خودم چله بگیرم تا آدم درستی بشوم.

تو باید در متن جامعه، عبودیت داشته باشی. نباید فاصله بگیری. از جامعه جدا نشو. این نکته‌ای که عرض کردم، با تدبیر به دست می‌آید.

### فهم عمیق از عبودیت

وقتی می‌گوییم «نَعْبُدُ»، از جمع بستن «نَعْبُدُ»، چه چیزی به ذهن می‌رسد؟ یکی اینکه من باید به همراه جمع، عبودیت کنم. در عبادت‌های دست جمعی، شرکت کنم. یعنی دیگران را هم، با خودم همراه کنم. من اگر تلاش نکنم تا در مسیر عبودیت، دیگران را همراه بکنم، خلاف «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» عمل کردم.

یکی دیگر از معانی «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» این می‌تواند باشد که، برای بندگی جمعی، تلاش کنم. یعنی زمینه‌سازی کنم تا همه جامعه، به سوی خدا حرکت کنند.

### زمینه‌سازی برای عبودیت

زمینه‌سازی کنم تا در حرکت جمعی، محله ما کار خوبی انجام بدهد. برای اینکه زمینه برای عبودیت فراهم شود، همراه با زن و بچه‌ام، یکی دو تا از دوستانم، یک حرکت جمعی انجام دهم.

## اهمیت نگاه به دیگران

نکته دیگر، وقتی در جمع هستیم، خودم را نبینم، جمع را ببینم. «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» خدایا، من در جمعِ بندگان تو هستم و همراه با آنها اعلامِ عبودیت و اطاعت و بندگی از تو می‌کنم. یعنی من خودم را نمی‌بینم.

این خیلی مهم است که انسان، همه را ببیند و خودش را نبیند. «از مردمک دیده باید آموخت، دیدن همه کس را و ندیدن خود را». مخصوصاً وقتی در جامعه و مسجد و جمع مومنین و مسلمین هستیم، نباید خودم را ببینم، بقیه را ببینم.

می‌توانیم بگوییم خدایا، من باید در جمع، با همه بندگان هم‌نوا باشم.

## نکته کاربردی در عرفان

خیلی از شما دوست دارید که، به مقامات عالی عرفان برسید. وقتی می‌شنوید کسی عارف است، دوست دارید که شما هم به این مقام برسید. [می‌گوئید] خدایا، کاش من هم عارف بودم. چه می‌شود من هم به مقام عرفان برسم؟

عرفان یعنی چه؟ یعنی نگاه دقیق داشتن. به چیزهایی توجه کردن که دیگران توجه ندارند. عرفان این نیست که یک اتفاق خاصی برای انسان بیفتد و منتظر باشد که خدا برای او، این اتفاق را رقم بزند. عارف شدن این است

که خودت سعی کنی، چیزهایی که از چشم دیگران پنهان است را ببینی. یک مرحلهٔ عرفان این است که وقتی می‌گوییم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، خدایا، من در میان جمع، جمع هستی را می‌بینم که برای تو اعلام عبودیت می‌کند. من هم در این هستی، باید به همراه جمع، اعلام عبودیت کنم.

اینکه من به جمع هستی توجه کنم و ببینم. این توجه، باعث می‌شود من به این مرحله از عرفان برسم و ببینم که هستی به سوی خدا حرکت می‌کند. من همهٔ اجزاء هستی را در یک نظام هماهنگ با هم ببینم، که به سویی که خدا اراده کرده، حرکت می‌کنند.

من نباید خلاف جهت حرکت کنم. اگر انسان، به حرکت جمعی هستی به سوی خدا، توجه داشته باشد، روح خود را رشد و ارتقاء داده است.

### تأمل در عبودیت

این هستی که من می‌بینم، یعنی سلول‌های بدن من و کُفّار، برای خدا اعلام بندگی می‌کنند. شما اگر بگویید همهٔ آدم‌ها بی‌دین، کافر، بی‌حجاب و حرام‌خوارند، این در خود ما تأثیر می‌گذارد. کمترین تأثیر این نگاه، این است که به انسان مجوز می‌دهد، حالا که همه بد شدند، پس تو هم می‌توانی بد باشی. وقتی ما همه را بد ببینیم، این پیام را ضمیر ناخودآگاه، به ما می‌دهد.

ما انسان‌ها را این‌طور ببینیم؛ که سلول‌های وجود تک‌تک‌شان دارند به وجود خدا شهادت می‌دهند. بله این شهادت، به صورت ارادی نیست، اما ما همین تسبیح غیر ارادی همه اجزاء هستی را ببینیم، می‌شود عرفان. آن‌گاه بگوییم همه خوب هستند. همه دارند به سوی خدا می‌روند. این من هستم که دارم از مسیر خارج می‌شوم.

سلول‌های بدن کافر و بی‌حجاب تسبیح می‌گویند. گر چه خودشان نمی‌شنوند، من که می‌دانم، می‌شنوم و می‌بینم. این می‌شود عرفان.

وقتی شما با این دید نگاه کنی، همه را خوب می‌بینی. در اینجا مرتب به خودت نهیب می‌زنی که من نباید مخالف این نظام هماهنگ هستی باشم. این خیلی مهم است، که خودم را همراه با هستی ببینم.

### ابعاد زندگی و عبودیت

آخرین نکته در این بحث این است که، وقتی ما می‌گوییم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ»، محراب عبودیت‌مان را کجا باید قرار دهیم؟ باید همه ابعاد زندگی‌مان باشد. باید در همه ابعاد زندگی به سوی خدا حرکت کنیم، این هم خیلی مهم است. این انسان را به مقام عارفین می‌رساند. نباید فقط در مناسک، در سجده و رکوع، اظهار عبودیت بکنیم. این اصلاً کافی نیست.

اینکه بدانم مقصد زندگی من چیست. اینکه برای چی دارم زندگی می‌کنم؟ برای رسیدن به مدرک و پول؟ پایان زندگی من چیست؟ می‌خواهم به چه چیزی برسم؟ این را باید انسان دقت کند. هر کس چنین نقطه پایانی دارد، که خدا قرار می‌دهد. مقصد هم باید خدا و حرکت به سوی خدایی شدن باشد. این می‌شود انتخاب یک هدف. خود این عبودیت است.

### انتخاب‌های عبودیتی

انتخاب جامعه‌ای که می‌خواهم در آن زندگی کنم.  
انتخاب دانشگاه و رشته‌ای که می‌خواهم تحصیل کنم.  
تمام این‌ها جلوه‌های عبودیت است.

وقتی شما انتخاب رشته می‌کنی، [در واقع] مسیر زندگی را عوض می‌کنی. سرنوشتت را تعیین می‌کنی. باید حواست باشد داری چه کار می‌کنی. به سوی چه چیزی حرکت می‌کنی. اینجا خدا را لحاظ کن. بین ارتباط این رشته با خدا چقدر است؟ چطور می‌توانی در آن رشته خدا را هم لحاظ کنی؟ اگر می‌بینی نمی‌توانی، انتخاب رشته نکن. دانشگاه، اداره، محل کار و کارخانه را تغییر بده.

### بندگی و انتخاب

بینم آیا می‌توانم بندگی کنم؟ آیا ارتباطم با خدا قطع نمی‌شود؟ اگر قرار است قطع شود، من پول و پرستیژ

و مدرکش را نمی‌خواهم. همه زندگی من باید در مسیر خدا باشد.

انتخاب جامعه و شهر و محله‌ای که می‌خواهم در آن زندگی کنم. خانواده‌ای که می‌خواهم از آن زن بگیرم، خانواده‌ای که می‌خواهم دخترم را به او بدهم. تمام این‌ها محراب عبودیت است.

### انتخاب حاکم و عبودیت

حاکمی که می‌خواهم برای جامعه انتخاب کنم چه کسی باشد؟ آیا او ارتباط مرا با خدا بیشتر می‌کند یا قطع می‌کند؟ یا می‌خواهد ارتباط مرا با ابرقدرت‌ها برقرار کند؟ این‌ها خیلی مهم است.

وقتی می‌خواهم رأی بدهم، اینجا محراب عبودیت است. در جنگ، در صلح، در اقتصاد، در سیاست، در فرهنگ، در همه جا. حتی در تفریح. پارکی که می‌خواهم بروم، آن هم محراب عبودیت من است.

فکر نکنم فقط مسجد محل عبودیت است. باید پارک را هم محراب عبودیت ببینم. به کدام پارک بروم که ارتباطم با خدا کمرنگ یا قطع نشود؟

اگر پارک رفتم، آیا آنجا بلند می‌شوم نماز بخوانم؟ در یک مجتمع تفریحی یا تجاری رفتم، آیا آنجا نمازخانه‌ای برای اینکه من اول وقت نماز بخوانم هست؟ قبل از

اینکه بروم در آن بازار باید به اینها توجه کنم. اینها همه قلمرو عبودیت است.

### تحلیل زندگی و عبودیت

من باید «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» را آنالیز کنم، مصادیق و جلوه‌های عبودیتش را در زندگی خودم بررسی کنم. مثلاً اگر می‌خواهم به مهمانی بروم، آیا در آنجا می‌توانم ارتباطم را با خدا حفظ کنم؟ لباسی که می‌خواهم در عروسی یا مجلسی بپوشم، آیا این لباس، ارتباطم را با خدا بیشتر می‌کند یا کمتر؟ این لباس من، ارتباط دیگران را با خدا بیشتر می‌کند یا کمتر؟

به حضرت عیسی گفتند: با چه کسی نشست و برخاست کنیم؟ گفت: «مَنْ يُذَكِّرْكُمْ اللَّهَ رُؤْيَتَهُ» (تحف العقول، ص ۴۴)؛ کسی که وقتی به لباس و تیپ و هیکل و کلام و منطقش نگاه می‌کنی، ارتباط تو را با خدا قوی کند.

### عبودیت خدا و انتخاب

من خواهش می‌کنم یک لیستی تهیه کنید. تمام کارهای روزانه، هفتگی، ماهانه، کارهایی که در عمرتان می‌خواهید انجام بدهید و باید جهت‌گیری داشته باشید، را بنویسید. بینم جهت‌گیری من تا الان کجا بوده؟ من به چه چیزی فکر می‌کردم؟ دنبال چه بودم؟ باید دنبال چه باشم؟ بینم اینجا عبودیت خدا و غیر خدا و بت‌پرستی و هواپرستی چیست؟

در تمام مواردی که در زندگی، سر دوراهی هستید، مشخص کنید که عبودیت خدا به چه شکل باید باشد. این کار من، آیا ارتباطم را با خدا بیشتر می‌کند؟ آیا این کار من، بستر عبودیت را برای من فراهم می‌کند یا نه؟ یا برای دیگران، برای فرزندان و نسلم، آیا این محله و خانه‌ای که انتخاب می‌کنم، آیا این شهر، این مسافرت، این رشته، این شغل، آیا ارتباط من و دیگران را با خدا بیشتر می‌کند؟

### نسل آینده و عبودیت

من باید نسل و فرزندانم را ببینم. فقط نوک دماغ خودم را نبینم. این مادری که انتخاب می‌کنم برای فرزندان و آیندگان و نسلم، مادر خوبی هست؟ ارتباط آنها را با خدا بیشتر می‌کند یا کم‌رنگ می‌کند؟

تمام این‌ها جلوه‌های عبودیت است. ما نمی‌توانیم به این‌ها بی‌توجه باشیم. حالا در نماز، صد بار، ده هزار بار هم بگوییم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» ارزش ندارد.

### توصیه کاربردی

پس این لیست را تهیه کنید و روی آن فکر کنید، در حالی که این لیست در دستتان است، نماز امام زمان را بخوانید و بگوئید «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ». بگوئید آقا من در مسیر انتخاب رشته، دوست، خانه، لباس، کتاب و... هستم «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ خدایا به

تو قول می‌دهم، در این مورد بندگی تو را بکنم. قول می‌دهم که این مورد زندگی‌ام را به گونه‌ای قرار بدهم که مرا به تو برساند. اینها عرصهٔ عبودیت است.

پس تلفظ کلمهٔ «إِيَّاكَ نَعْبُدُ» صرف نیست. باید زندگی و همهٔ ابعاد آن را آنالیز کنیم و در مسیر خدا قرار بدهیم. در جلسه بعد، نکات جدیدی در مورد «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» خدمتتان تقدیم می‌کنم.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.